

● پیش‌بینی سازوکارهای بازنگری در سند و اخذ بازخورد میدانی در طول دوره چهارساله اجرا. تدوین سند تحول دولت و رویکرد دولت سیزدهم به این برنامه، نه صرفاً به عنوان یک اقدام تبلیغاتی و رسانه‌ای، بلکه در قالب ابلاغ رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی جهت اقدام و اجرا می‌توان از یک سو، به مثابه «سنّتی بدیع» در تاریخ دولت‌های گذشته قلمداد نمود و از منظری دیگر، تجربه‌ای بی‌بدیل برای کنش‌گری جمعی نظام نخبگانی و اندیشگانهی کشور دانست که توانستند در نزدیک‌ترین فاصله به افق نگاه بالاترین شخص اجرایی کشور، برنامه‌ای عمل‌گرا را برای اداره دولت تدوین نمایند که این امر، خود به عنوان یک تجربه سیاست‌پژوهی قابل مطالعه و بررسی است.

اکنون و پس از ابلاغ سند تحول دولت، به نظر می‌رسد که فصل جدیدی از تجربه حکمرانی در دولت سیزدهم شکل گرفته است. دولتی که در گام نخست، خود را ملزم به «برنامه‌داری» دانسته است، اکنون و در گام دوم، باید خود را برای تعهد به «برنامه‌مداری» آماده نماید. دولت با ابلاغ این سند، خود را در معرض آزمون بزرگی به نام «نهضت ارزیابی ملی» قرار داده است که در آن، جریان مطالبه‌گری مردم و جامعه از دولت به رویکردی علمی، هدفمند و برنامه‌محور تبدیل خواهد شد.

بی‌تردید آنچه در این مرحله از اهمیت بالایی برخوردار است، اتخاذ سازوکارهایی است که بتواند «التزام عملی دولت» را به اجرای برنامه اثبات نماید؛ اگرچه از منظر بلوغ نهاد حکمران، هم تعهد به برنامه‌محوری و اهتمام به تدوین آن و هم انتشار عمومی برنامه و دعوت از جامعه و رسانه‌های عمومی توان دو نقطه عطف جدی در «بلوغ نهاد اداره» و دولت‌داری برشمرد، اما از سوی دیگر، فقدان نقشه راهی دقیق و متقن برای راهبری سند تحول دولت و پایش مستمر آن در مسیر اجرا، می‌تواند تعارضات جدی را به وجود آورد؛ لذا ضروری است تا در این مرحله نیز، با اتخاذ راهبردی دقیق، ظرفیت راهبری و اجرایی‌سازی سند در سطح دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر روند اجرایی در عالی‌ترین سطح، در تراز رئیس‌جمهور فراهم گردد؛ از این رو به نظر می‌رسد هدایت مؤثر جریان اجرایی‌سازی سند تحول حائز اهمیت بالایی است. نظر به اهمیت موضوع، «راهبردهای هشت‌گانه» ذیل توصیه می‌گردد:

۱. تشکیل ساختار متمرکز متولی در سه بخش اجرایی‌سازی، راهبری و پایش مستمر سند؛
۲. پیش‌بینی برنامه‌های تعامل دبیرخانه با دستگاه‌ها، معاونین، مدیران میانی و کارشناسان به منظور تبیین محتوایی موضوعات مورد اشاره در برنامه‌های بخشی؛
۳. پیش‌بینی سازوکار تطبیق و رفع مغایرت در قوانین و مقررات پیشنهادی جهت تصویب در صحن دولت یا ارائه لوایح به مجلس شورای اسلامی با مفاد سند تحول دولت در ساختار دبیرخانه هیئت دولت؛
۴. تمرکز جدی رسانه‌های دولت به تبیین عمومی و تولید محصولات رسانه‌ای همه‌فهم از مفاد و جزئیات سند در بخش‌های مختلف سند، به ویژه موضوعاتی نظیر: مسکن، یارانه و آموزش و پرورش.
۵. تمهید زیرساخت فنی لازم به منظور تعامل و اخذ نظر کارشناسی از نخبگان، صاحب‌نظران، رسانه‌ها و عموم مردم؛
۶. ایجاد التزام عملی در حوزه برنامه‌بودجه و نیز نظام اداری و تشکیلاتی دولت جهت ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها بر اساس تکالیف سند تحول دولت؛

۷. دفاع همه‌جانبه ارکان دولت و ایجاد تصویر واقعی از اراده عملی دولت به اجرایی‌سازی سند در سطح جامعه؛
۸. دعوت از ظرفیت‌های سازمان یافته نخبگانی، به خصوص اندیشکده‌ها، پژوهشکده‌ها، رسانه‌های تخصصی، انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای جهت مشارکت عملی در روند اجرایی‌سازی سند تحول. مسلم آن است که اداره دولت، امری محدود به رئیس‌جمهور و چند نفر دولتمرد نیست. عزم و اراده‌ای همه‌جانبه می‌خواهد تا بتواند مسیر تحول را طی کند و شرط اول در این همراهی، اقتناع عمومی آحاد ذی‌نفعان در سطح جامعه است. خصوصاً آن که دولت بر حل مسئله‌های چندین‌ساله و قفل‌های زنگارگرفته بر چرخ اداره کشور اراده کند و این مهم به جز در سایه خلق «نهضت تحول» مقدور و میسر نیست. ۱